



- ۱. شکوفایی فطرت و عقل، مهمترین وظایف پیامبران (علیهم‌السلام)**

از اساسی‌ترین کارهای پیامبران، امامان (علیهم‌السلام) و دیگر مصلحان الهی، تلاش برای ریشه‌کنی جهل و رذالت مردمان و شکوفاسازی عقل و فطرت آنان بوده است. هیچ جامعه‌ای در مسیر اصلاح به‌سامان نخواهد رسید؛ مگر آنکه یکایک افراد آن، از اخلاق و فرهنگی متعالی بهره‌مند گردند. از این روی در مسیر اصلاح فرد و جامعه، اصلاحات اخلاقی و فرهنگی بر دیگر اصلاحات مقدم است.

قرآن کریم در سوره جمعه آی ۲، مهم‌ترین وظایف پیامبر خاتم (علیهم‌السلام) را این‌گونه برمی‌شمارد:
۱. تلاوت آیات قرآن: ﴿تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ﴾؛
۲. تزکیه و تهذیب اخلاق: ﴿وَيُزَكِّيهِمْ﴾؛
۳. تعلیم قرآن و حکمت: ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ﴾.

دو وظیفه اخیر، از مهم‌ترین وظایف پیامبر (علیهم‌السلام) است که اولی به شکوفاسازی فطرت و اخلاق آدمیان و دیگری به بارورسازی عقل و فرهنگ ایشان اشاره دارد.

این دو مقام – مربی‌گری اخلاقی و معلمی قرآن – از جمله مقامات ویژه پیامبر اکرم (علیهم‌السلام) است که بعد از ایشان به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) منتقل می‌شود. هریک از امامان (علیهم‌السلام) در طول عمر پربرتک خویش، تلاشی بی‌امان در عرصه تعلیم و تزکیت مردمان از خود بروز داده‌اند. در همین راستا، اساسی‌ترین کار آخرین مصلح بشری، یوسف ناپیدی فاطمه (علیها السلام)، نیز، تلاش برای اصلاح فرهنگی و اخلاقی فرد فرد جامعه خواهد بود.

- ۲. سیره‌عملی حضرت زهرا (علیها السلام) در جهاد فرهنگی**
در میان معصومان (علیهم‌السلام) جهاد فرهنگی ام‌الائمه، صدّیقه طاهره (علیها السلام) جایگاه و منزلتی ویژه دارد؛ چراکه او دست‌پروژه مستقیم رسول‌خدا (علیهم‌السلام) و استمرار وجود اوست؛ علم او از علم پیامبر و سیره او همان سیره رسول خدا (علیهم‌السلام) است.

منبع علم و حکمت او قرآن است و یگانه مربی او، بهترین مفسّتر و مبیّن قرآن.

منش او، همان منش رسول‌خداست که عمر خویش را وقف تعلیم و تزکیت انسان‌ها نمود؛ همو که «تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه:۲) آیات قرآن را برای مردم تلاوت می‌فرمود (تا الفاظش را یاد بگیرند)، به تزکیه و تهذیب ایشان می‌پرداخت و قرآن و حکمت را به مردم تعلیم می‌داد (تا حقیقت قرآن را بیاموزند).

آری، او همچون پدرش، مربی اخلاق بود و معلم قرآن؟ مقامی که تنها از آن پیامبر و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پاک‌نهاد اوست.

حضرت زهرا (علیها السلام)

در جبهه جهاد فرهنگی

آیت‌الله مصباح یزدی (رحمة‌الله علیه)

روش و منش دخت گرامی پیامبر اسلام حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در عرصه‌های مختلف همچون «جایگاه بندگی و عبادت» و یا در «جلوه‌گاه وارستگی و کمالات انسانی» و همچنین در «حجله‌گاه پوشیدگی و حجاب و عفاف» و نیز در «عرصه تلاش پیشگی و مسئولیت‌مداری» و یا در «پهنه وظایف خانوادگی و تربیت فرزند و همسررداری» از سیره‌ای جاودانه با تکیه بر معارف اسلامی تبعیت کرده و این زیندگی را دارد که همیشه بر تارک تاریخ اسلام بدرخشد و روشنگر رهروان طریقت بندگی و صراط مستقیم اهل‌بیت (علیهم‌السلام) باشد. این نگاشته که برگرفته از آثار مکتوب علامه مصباح یزدی (رحمة‌الله علیه)، است به عنصری دیگر از سیره عملی با محوریت «جبهه جهاد فرهنگی» در حیات پربرکت این بانوی نمونه اسلام توجه دارد و مؤلفه‌های آن را به نگاه محبان آن‌حضرت تقدیم می‌دارد.

او، عمری را با تلاشی بی‌امان، در نهایت مهربانی و دلسوزی، به تعلیم و تبلیغ معارف دین و تربیت دین‌باوران پرداخت؛ چراکه روح او از جنس همان روحی است که خداوند رحمان در وصف او چنین می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (نوبه: ۱۲۸)؛ به‌راستی که پیامبری از میان خودتان به سوی شما آمده است که رنج‌های شما بر او سخت و گران است؛ سخت مایل به هدایت شماست و بر مؤمنان رئوف و مهربان است.
زهرا (علیها السلام)، میراث‌دار عظوفت و حکمت نبوی است. وجود او، همچون وجود رسول‌خدا (علیهم‌السلام)، سراسر نورانیت و لبریز از عظوفت است.
گفتار او همه عین حکمت و درایت و سرچشمه نور و معرفت است؛ چراکه پاره همان وجودی است که هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و کلام او جز وحی و الهام الهی چیزی نیست: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ﴾ (نجم: ۳–۵)؛ هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید، جز وحیی که بر او نازل شده، نیست. آموزگار او، همان فرشته بسیار توانا(جبرئیل) است.

نفخه قدس، بوی او؛ جذبه انس، خوی او
منطق او خبر ز «لَا يُنطِقُ عَنْ هَوَى» کند
شعر از آیت‌الله غروی اصفهانی
روایت ذیل که گزارشگر آن، مولای متقیان علی (علیهم‌السلام) است، نماینده جلوه‌ای از رحمت بی‌کرانه و تلاش خستگی‌ناپذیر فاطمه (علیها السلام) در مقام تعلیم و تربیت می‌باشد:

روزی یکی از زنان مدینه خدمت حضرت زهرا (علیها السلام) رسید و گفت: مادر پیری دارم که در مسائل نماز، سؤالات فراوانی دارد و مرا فرستاده است تا آن مسائل شرعی را از شما بپرسم.
حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: بپرس!

آن زن، مسائل زیادی طرح کرد و برای هریک از آن‌ها، پاسخ شنید.
در ادامه گفت و شنود، از زن از کثرت پرسش‌ها خجالت کشید و گفت: ای دختر رسول‌خدا! از اینکه فراوان خدمت می‌رسم و با سؤالاتی زیاد شما را به زحمت می‌اندازم، معذرت می‌خواهم!

حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: باز هم و هر آنچه سؤال برایت پیش می‌آید، بپرس! آیا اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی را به بالای بام بردد و در مقابل، صد هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین کاری برای او دشوار خواهد بود؟ گفت: خیر!

کارزار آمده است و ما نیز باید با سلاح فرهنگ به مقابله آن برخیزیم.

امروز، همه استعدادها و نیروها باید بسیج شوند و به کمک نیروهای رسمی در خط مقدم جهاد فرهنگی بشتابند؛ همان‌گونه که در عرصه نبرد نظامی چنین کردیم و به پیروزی رسیدیم.

آری! بر همگان لازم است که با اقتدا به حضرت زهرا و فرزندان او (علیهم‌السلام) در مقابل شیخیون وسیع دشمن در عرصه فرهنگ، مردانه بایستند و در مقابل صدمات و مشکلات این جهاد عظیم، صبور و شکنیا باشند و هیچ‌گاه از مجاهدت علمی و عملی در قلمروی امور فرهنگی خسته نشوند و بدانند که هر گام خالصانه‌ای که در این عرصه برمی‌دارند و هر کلمه‌ای که می‌آموزانند، در پی‌دارنده اجری بزرگ و مایه تقرب هرچه بیشتر به مادر مهربان شیعیان، صدّیقه طاهره (علیها السلام) و نزدیکی به خداوند است؛ چراکه از رهگذر این جهاد فرهنگی، سنخیت و شباهت بیشتری به ایشان می‌یابند و در عالم معنا به ایشان نزدیک‌تر می‌شوند.

اصل هم همین است که در راستای شباهت و سنخیت هرچه بیشتر با اهل‌بیت (علیهم‌السلام) تلاش کنیم و بدانیم که هرچه بیشتر در کردار و گفتار بدیشان شباهت یابیم، در مسیر کمال، پیشرفت بیشتری داشته‌ایم و سزاوار عنایات مخصوص‌تری از ناحیه وجود کریم ایشان گشته‌ایم.

- ۴. نشانه‌شبیعیان واقعی!**

حسن ختام سخن را به آموزه‌ای از معارف فاطمی می‌سپاریم که یکی از نموده‌ای آن، در عرصه جهاد فرهنگی رخ می‌نمایاند.

روزی همسر یکی از پیروان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در شهر مدینه، خدمت حضرت زهرا (علیها السلام) شرفیاب شد و گفت: شوهرم می‌پرسد که آیا او در زمره شیعیان شما می‌باشد یا نه؟

حضرت در جواب او فرمودند: «إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ به ما أَمْرًاكَ وَتَتَّبِعِي عَمَّا رَجَحْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَإِلَّا فَلَا»؛ اگر به آنچه شما را امر می‌کنیم، عمل می‌کنی و از آنچه شما را بر حذر می‌داریم، دوری می‌کنی، از شیعیان مایی وگرنه هرگز!

وقتی که جواب حضرت زهرا (علیها السلام) به آن مرد رسید، بسیار هراسان و مضطرب شد و با گریه و زاری مرتب می‌گفت:

وای بر من که همیشه در آتش جهنم خواهم بود.

همسر آن مرد، دوباره خدمت حضرت زهرا (علیها السلام) یاگشت و حال زار همسرش را به ایشان گزارش داد. در این هنگام، لسان پاک حضرت زهرا (علیها السلام) به کلامی لبریز از عظوفت و حکمت، گهربار گردید که تا قیام قیامت برای همه محبان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مایه افتخار، امید و سرور گشته است:
از جانب من به همسرت بگو: چنین نیست که او گمان کرده است. شیعیان ما از بهترین‌های اهل بهشتند و نیز همه دوستان ما و دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما، جملگی در بهشت خواهند بود.

کسانی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل‌بیت (علیهم‌السلام) شده باشند، چنانچه از فرمان‌های ما سرپیچی کنند و از نواهی ما و دیگر مهکات، پرهیز نمایند، هرچند از شیعیان [حقیقی و کامل] ما نیستند؛ ولی عاقبت از بهشتیان خواهند بود؛ اما بعد از آنکه از گناهانشان پاک و مطهر شوند؛ یا با بالاها و گرفتاری‌های دنیایی یا با انواع سختی‌ها و مشکلات روز قیامت با پس از چشیدن عذاب در طبقه سطحی جهنم. عاقبت به‌خاطر محبت و دوستی‌شان با ما، نجاتشان می‌دهیم و ایشان را به پیشگاه خودمان منتقل خواهیم کرد.^۱

- پی‌نوشت‌ها**

۱. رک: محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۱–۳)، ص ۵ و ۶؛

۲. تعلیم قرآن، صرف خواندن و آموزش الفاظ نیست؛ چراکه خواندن قرآن برای یادگیری دیگران، همان تلاوت است. منظور از تعلیم قرآن، فهمانیدن معانی

آن است و تعلیم آنچه خود مردم نمی‌فهمند، «يُعَلِّمُكُمْ مَا لَا تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۵۱) در آیه دیگری می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ إِلَيْكَ اللَّذِينَ لَئِنْ لَمْ تَنْزِلْ بِهِ، مَا يَكُنْ مِنْ قُرْآنٍ رَءُوفٍ تَوَّالٍ»؛ اگر چه این قرآن را برای مردم تبیین نمای (نحل: ۱۴۴)، از این آیات معلوم می‌شود که آیات قرآن به تبیین احتیاج دارد و وظیفه

پیامبر (علیهم‌السلام) تبیین آن‌هاست که این تبیین مسلماً غیر از تلاوت است. ما شیعیان معتقدیم که این مقام برای معصومان (علیهم‌السلام) هم، ثابت است و مقام معلمی قرآن، از آن پیغمبر اکرم (علیهم‌السلام) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است. رک: معارف قرآن (۱–۳)، آیت‌الله صبحای یزدی، پاورقی ص ۶؛
۳. قالت فاطمة (علیها السلام): خاتمی وتسلی عقبا بذا لکی، ازلّیّت من الخیّتی یومنا یتشعّد إلی شقیّ به حمل قیول وکّره مآة ألف دینار یقلّ علیه؟ اکثریّت أنا به کلّ مسألة یا کثیر من بل ما تبین للّٰهی الی الغویّی لؤلؤا فاعری ان لا یفعل علیّ. رک: بحارالانوار، ج ۲، ص ۳. لثالی الاخبار، ج ۲، ص ۱۵۵. تفسیر امام عسکری (علیه السلام)، ص ۳۲۰. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۱۳؛

۴.قالت فاطمة (علیها السلام) فویله له: لیست هکذا، شیعتنا من خیار اهل الحجة وقُلّ شیعینا وتوالی اولیائنا وتعدای اعدائنا، والشیلم بقایه رشیاه لئلا یتشرامن شیعتنا إذا خالفوا ازمیرنا وتواهینا فی سائر المویقات ونمّ مع ذلک فی الحجة؛ ولکن بعدّ ما یظهور من ذنوبهم بالبلایا والازیّیا أو فی عرصات القیامة بأقوال شدائدها أو فی الطغیى الأعلی من جهنّم بعدّایها إلی أنّ تشفّیذلهم یحیثا وتنفّلهم إلی خضرنا. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۵. لثالی الاخبار، ج ۵، ص ۱۵۶. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام)، ص ۳۰۸. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۲۱؛

منبع: مصباح یزدی، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، ص ۱۲۴.



وقتی به قافله رسیدیم، پرسیدم: آیا در این قافله کسی را داری؟ گفت: «یا داؤدُ إنا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِی الْأَرْضِ». (ص/۲۶) به میان قافله آمد و این اسامی را صدا زد. چهار جوان به سوی آن زن آمدند. پرسیدم: این نوجوانان کیانند؟ گفت: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا». (کهف/ ۴۶) پس رو کرد به جوانان و گفت: «یا أَبْتَی اشتأجُرُهُ إِنْ خَیْرٌ مِنْ اِشْتَأْجَرْتُ الْقَوَّیِّ الْأَمِیْنِ». (قصص/ ۲۶) پس آن‌ها مرا اکرام کردند. پس گفت: «وَاللّٰهُ یُضَاعَفُ لِمَنْ نَشَاءُ». (بقره/ ۲۶۱) پس آن جوانان گفتند: این زن مادر ما فضا جاریه حضرت زهرا (علیها السلام) است.

- نتیجه‌گیری**

مکتب تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) به خانواده ایشان اختصاص نداشت و افرادی که با ایشان مرتبط بوده‌اند نیز، از فضائل و دانش حضرت بهره‌مند گشته و در محضر ایشان به کمال انسانی رهنمون شده‌اند.

- پی‌نوشت‌ها**

۱. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۳۱۷؛
۲. المناقب، ج ۲، ص ۳۶۱؛
۳. ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۳۱۷؛
۴. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۷؛
۵. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۷؛